

این شهر در آنوقت يك شكل مستطیلی بوده که خلع بزرگ آن طولاً پنجاه هزار متر و عرضاً هزار و هشتصد متر^(۱)، کوچه ها و خیابانهای شهر بر زاویه قائمه تقاطع مینمودند و خیابان بزرگی بود که شهر را بدر قسمت متساوی تقسیم مینمود. از جمله عمارات بزرگ این شهر کارخانه مهم اسلحه سازی، يك قصر قشیک و عالی، معبد نیتون بوده که ستون آن از سمت دریا از مسافت بعیده نظر واردین را جلب مینمود. بعلاوه عمارت تیمی نیوم^(۲) بود که در آن آنتوان^(۳) بعد از شکست از آکتیوم^(۴) یکی از امرای روم در نظر گرفته بود بقیه عمرش را در آنجا بسر ببرد. از جمله یکی عمارت سراپوم^(۵) بود که سزار اوقت محاصره در همانجا اقامت داشته است. غیر از عمارات نامبرده دو ستون و چندین عمارت و آثار بزرگ دیگری هم وجود داشت. در کنار دریا بازاری بود که کالاهای تجارتنی تمام دنیا در آنجا وارد شده بفروش میرسیدند و در همین نقطه یک عمارت موزه ای هم وجود داشت و کتابخانه مشهوری که آنوقت در تمام دنیا نظیر آن یافت نمیشد در آنجا بوده است. اینجا در دوره انحطاط و تنزل فقط علمائی بقیمانده بودند که تمام اوقات عزیز خود را در شعبده، صرف و نحو، موشکافیهای علم اشتقاق، بازیکیهای علم فقه مصروف میداشتند. روی تپه ای که حالیه ستون پومپیه^(۶) در آنجاست بتخانه مشهور سراپوم دارای ستونهای بسیار معظم و عالی بنا شده و در اندرون آن مجسمه هائی از سنک سماق موجود بوده است.

در مقابل شهر اسکندریه جزیره فاروس^(۶) بوده و در آنجا مناره مشهوری از سنک مرمر سفید وجود داشت و دارای چراغی بود که از دوازده فرسخ روشنی آن بنظر میرسید و یکی از عجایب سبعة دنیا شمرده میشد. بین جزیره مذکور و ساحل راهی بنا شده بود که طول آن هزار و دو بیست متر بوده است.

بعد از فتح اسکندریه عمرو قسمتی از سیاه خود را در آنجا گذارده بقیه را بداخله مصر روانه داشت و آنها در ساحل نیل محلی را که سراپوده عمرو عاص در آنجا

۱ - Timonium. ۲ - Antioche. ۳ - Actium. ۴ - Scrapeum.

۵ - Pompée. ۶ - Pharos.

نیاشده بود برای اقامت اختیار کرده منازل چندی بطور موقت در آنجا بنا نهادند ولی در آخر همینجا اردوگاه مسلمین شده و عماراتی هم برای سرکردگان بزرگی بنا نهادند و سنگ بنیان شهر قاهره که يك روز در آینده با بغداد دارالخلافة معظم اسلامی همسری مینمود از همینجا گذاشته شد. نام آن در ابتدا بواسطه بپا شدن خيام، فسطاط (۱) بوده است. موقع فسطاط تا اینقدر عالی بود که عمرو عازم گردید دارالحکومه خود را در آنجا بنا نماید و لذا حکم کرد حصارى در اطراف آن کشیدند و برای سکونت شخصی خودش هم عمارتی در آنجا بنا نمود و این دارالحکومه که عمرو بلاى آن بود تا کنون که زیاده از هزار و دویست سال است از آن تاریخ میگذرد یایت نیت مصر میباشد.

انتظامات عمرو برای اداره کردن امور این کشور مفتوحه حاکی از حسن تدبیر او میباشد. او با رعایا و زارعین بعدل و انصاف رفتار نموده که از سالیان دراز از آن محروم بودند و نیز دانشگاهائی مستقل و منظم و همچنین مجامعی برای استیناف تشکیل داد لیکن این مجامع حق داشتند فقط بدعاوى مسلمین رسیدگی کنند و اگر یکی از طرفین دعوی مصری بود آنوقت بمجامع قبطی مراجعه میشد. او تمام آئین و رسوم و آداب و عقاید مذهبی این کشور را بحال سابق باقی گذاشت، فقط يك رسم را از میان برداشت و آن این بوده که يك دختر جوان خوبصورت با کره را هر سال از والدینش بچهر گرفته بدین نیت در رود قبل میانداختند که آب آن موقع طغیان تا بارتفاعی که معین است برسد و قرار شد که عوض آن دختر مجسمه ای از گل بنام عروس ساخته شود چنانکه تا کنون مرسوم است که آنرا در روز معینی میان آب میاندازند. ازین رسم باستان که غالباً از شش هزار سال قبل در مصر معمول بود معلوم میشود که قربانی کردن جنس آدمی جزو مذهب دیرین مصر بوده است.

نظیر عمر در بهت المقدس عمرو هم در اینجا نسبت به مسیحیان با نهایت مروت و تساهل مذهبی رفتار نمود. قبطیان برای تعیین اسقف اعظم جدید که از دیرباز میان آنها معمول بوده رخصت خواستند عمرو فوراً آنرا پذیرفته و اجازه داد. او با مذهب

۱. Fostat.

عیسوی تا ایندرجه حسن همدردی نشان داد که اجازه داد در شهر اسلامی هم که خود بانی آن بود کلیسا های جدید بنا نمایند .

چون تا آنوقت مسجدی برای نماز مسلمین بنا نشده و بر عده نو مسلمین عیسائی روزانه میافزود این بود که او مطابق نقشه مسجد مکه جامع بزرگی در اینجا بنا نهاد و این مسجد با وجودیکه حکومت مصر آنرا ابدأ حفاظت نکرده معهدا تا امروز باقی میباشد .

عمرو عاص نه تنها مصر سفلی را گرفت بلکه عساکر خود را به نوبه یعنی کشور باستان حبشی رومی و تاجیش برده و با بیست هزار نفر وارد آنجا گردید لیکن فتح مزبور فتحی بود فقط لشکری و بعد از فتح در انتظام امور کشور هیچ اقدامی بعمل نیامد . اعراب هیچوقت در نوبه نفوذ کامل حاصل نکردند و در اوقات مختلفه فقط باعزام سیاه مختصرا کتفا مینمودند لیکن سکنه آنجا هم مثل مصریان مذهب اسلام و زبان عرب را اختیار کردند . امروزه در آن نقطه اقوام مختلفه زیادی مسکن دارند و از هر شکل و رنگ اشخاص یعنی از سفید گرفته که غالباً از نسل اعراب حجازند تا رنگ سیاه درینجا دیده میشوند . بعضی سکنه اینجا خیلی خوب صورت هم هستند و در میان اینها برای من اتفاق افتاد که توانستم عکس بعضی را که خوب صورت بودند بردارم حتی از میان آنها عکس زنانی هم درج شده که در شکل و صورت با مصریان زمان فرانسه شباهت دارند . مسلمین بعد از حملات زیاد حبش را نیز با اقل قسمت مجاور یا بحر احمر را فتح نمودند ولی نفوذشان در آنجا از نوبه هم کمتر بوده است . اهالی از قرن چهارم میلادی مسیحی بوده و بمذهب سابق خود باقیماندند و معذک زبان عربی درینجا و در خیلی شایع است . درین اقوام بسیاری از اقوام دیگر اختلاط و امتزاج پیدا کرده اند . از ابتدای فتح اعراب (۶۳۹ میلادی) تا وقتی که انراک این کشور را تصرف نمودند (۱۵۱۷ میلادی) نهمصد سال مشغول و در ظرف این مدت خاندانهای جدیدی یکی بعد دیگری در آنجا سلطنت نموده اند و آن در ابتدا یعنی از سال ۶۳۹ تا ۸۷۰ میلادی تحت حکومت خلفای مشرق بوده و بعد حکمران مصر عام استقلال بر افراشته

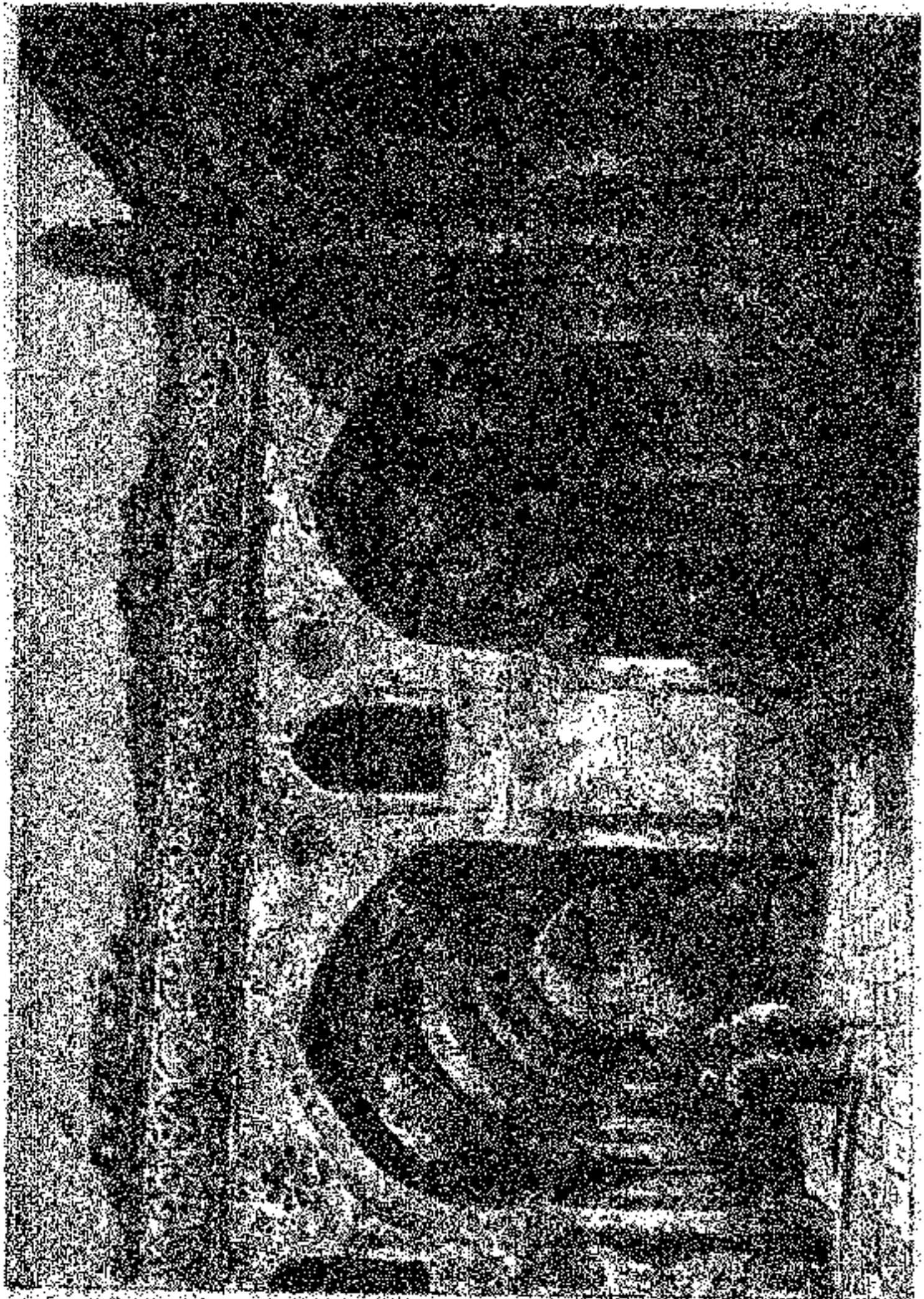
خاندانی با نام طولونیه تأسیس گردید (۷۷۰ تا ۹۰۵ میلادی). بعد از آن یعنی از سال ۹۰۵ تا ۹۳۴ میلادی جزو حکومت خلفای بغداد محسوب و بعد تا مدتی یعنی از سال ۹۳۴ تا سال ۹۷۲ میلادی خاندان **اخشیدیه**^(۱) در آنجا سلطنت نموده تا آنکه بدست خلفای فاطمیه افتاد (سال ۹۷۲-۱۱۷۱ میلادی). خلفای نامبرده تمام شمال افریقا، الجزایر، سردانیه، صقلیه، (سیسیل) و تمام جزائر بحر متوسط و شام را هم متصرف شده و همه اینها جزو حکومت آنان بوده و مصر در دوره این خلفا منتهی درجه ترقی و عمران و آبادی را حائز بوده است.

انجام خلفای فاطمی در مصر بعینه همان انجام خلفای بغداد گردید یعنی اینها هم بادست فوجی مغلوب شدند که آنها را مملوکین نامیده و جزء قراولان و پاسداران قصر خلافتی شمرده میشدند.

بدایت حال این مملوکین و گذارش آنها بابدایت حال و گذارش قراولان دربار خلافت بغداد یکی میباشد. مملوکین بعد از مدت کمی زمام حکومت را بدست گرفته برای خلیفه از سلطنت جز اسم چیزی باقی نماند.

در سال ۱۲۵۰ میلادی کشور مصر را بکلی گرفته خاندانی تأسیس کردند که تا دو بیت و شصت و هفت سال سلطنت نمودند. از ممالیک مذکوره دو خاندان که با هم اصلاً اختلاف دارند در مصر حکومت نموده، خاندان اول را که از سال ۱۲۵۰ تا سال ۱۳۸۱ میلادی سلطنت نمودند ممالیک ترکان منامند که مثل ترکان بغداد جزو اسراء جنگ و از قفقاز و بحر خزر و آنها را اسیر گرفته غلام کرده بودند و آنها نهایت خوب صورت و دیگر هیکل آنها که درشت و قوی بود جزو قراولان قصر خلافتی تعیین گردیدند. لباس آنها نهایت نفیس و قشنگ و حربه ای که با خود داشتند لامع و درخشان و نشانی که روی حربه آنها کنده شده نشانی بود که افواج صلیب از آن تقلید کرده در حربه های خود کنده بودند.

۸- Ekkhedytes، مؤسس خاندان **اخشیدیه محمد بن طمع بن حف الاخشید** میباشد. لفظ اخشید در اصل افشید و معنی آن در ترکی شمس بیضا است و آنها از خاندان سلطنتی فرغانه هستند.



(۶۹) - نماز کا مسجد طولون

این ممالک با نهایت شکوه و جلال حرکت میکردند و تا ایندرجه مورد توجه خلیفه واقع شده که سردار آنها متدرجاً بدرجه غیبی بلند رسیده در نتیجه تمام کشور

را بتصرف خود در آوردند .

خاندان دیگر که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۵۱۶ میلادی سلطنت نمودند مورخین آنها را مملوکین چرکس مینامند زیرا که ایشان از محل مزبور آمده نه آنکه جزو ائراک آسیای وسطی باشند .

سلاطین اخیر خاندان اول ممالیک متوجه این نکته شده بودند که به دست مملوکین چرکس ممکن است روزی اطعمه‌ای باقتدارات آنها وارد شود زیرا همانطور که خود آنها نسبت باعراب خطرناک ثابت شده چرکس ها هم نسبت با آنان مضرت و خطرناک بنظر میرسیدند لیکن مراقبت تا آنکه که در حفظ موازنه قوای آنها تا حدتی لازم بود بعمل بیاید تا مدتی بالاخره مملوکین جدید بر ممالیک قدیم فایق و غالب آمده حکومت را از دست آنها خارج ساختند مملوکین چرکس تا سال ۱۵۱۶ میلادی در مصر سلطنت نموده تا آنکه سلطان سلیم اول ایشانرا شکست داده و مصر جزو حکومت عثمانی قرار گرفت و از همانوقت هم دوره خرابی این کشور شروع گردید . اکنون (۱) مصر صاف و آشکار تحت نفوذ ملل اروپا واقع شده و مراحل انحطاط را روزانه طی میکند .

ابتدا که مصر جزو حکومت ترکیه قرار گرفت مملوکین بنای اطاعت و تمکین را گذاشتند لیکن در آخر بنای خود سری را گذارده اقتداراتی بدست آوردند و همانها بودند که در مقابل **ناپلئون** ایستادگی نموده تا وقتیکه **محمد علی** شدیدالباس ولی بسیار مدبر و عاقل مملوکین را قتل عام نکرد، بود کشور مصر هیچوقت آسوده و آرام نبوده است . مملوکین مصر بدون اینکه از سر زمین خود اشخاص تازه ای را بیاورند نمیتوانستند عده خود را محفوظ نگاهدارند . در آب و هوای مصر که برای یکقوم اجنبی سمی است قاتل تکثیر نسل برای آنها ممکن نبوده و لذا برای تعادل عده خود همیشه از موطن خویش غلامانی را طلب مینمودند . این غلامان را بصاحبمنصبان معرفی نموده و آنها هم مباحثات مینمودند که برای سپاه خود جوانهای خوبصورت را انتخاب کنند .

(۱) - مقصود زبات تألیف کتاب یعنی پنجاه و دو سه سال قبل است ولی خوشبختانه از مدتی است که مصر استقلال تام و تمامی پیدا کرده و دست اجانب بکلی از آن کشور کوتاه گردیده است و امروز این کشور باستان از کشور های مستقله نامی اسلامی و کانون علم و ادب شمرده میشود .

فصل سوم

تمدن اسلامی در مصر

در مصر هم این تمدن مانند همان تمدنی بوده که در شام و بغداد تأسیس گردید یعنی اعراب در آنجا هم از تمدن روم شرقی بنای اقتباس را گذاشتند چنانکه عمارات اولیه مصر شاهی است بر این معنی^۱ اگر چه از یاد کارهای بعد معلوم میشود که آنها خیلی زود از این تقلید خود را آزاد ساختند.

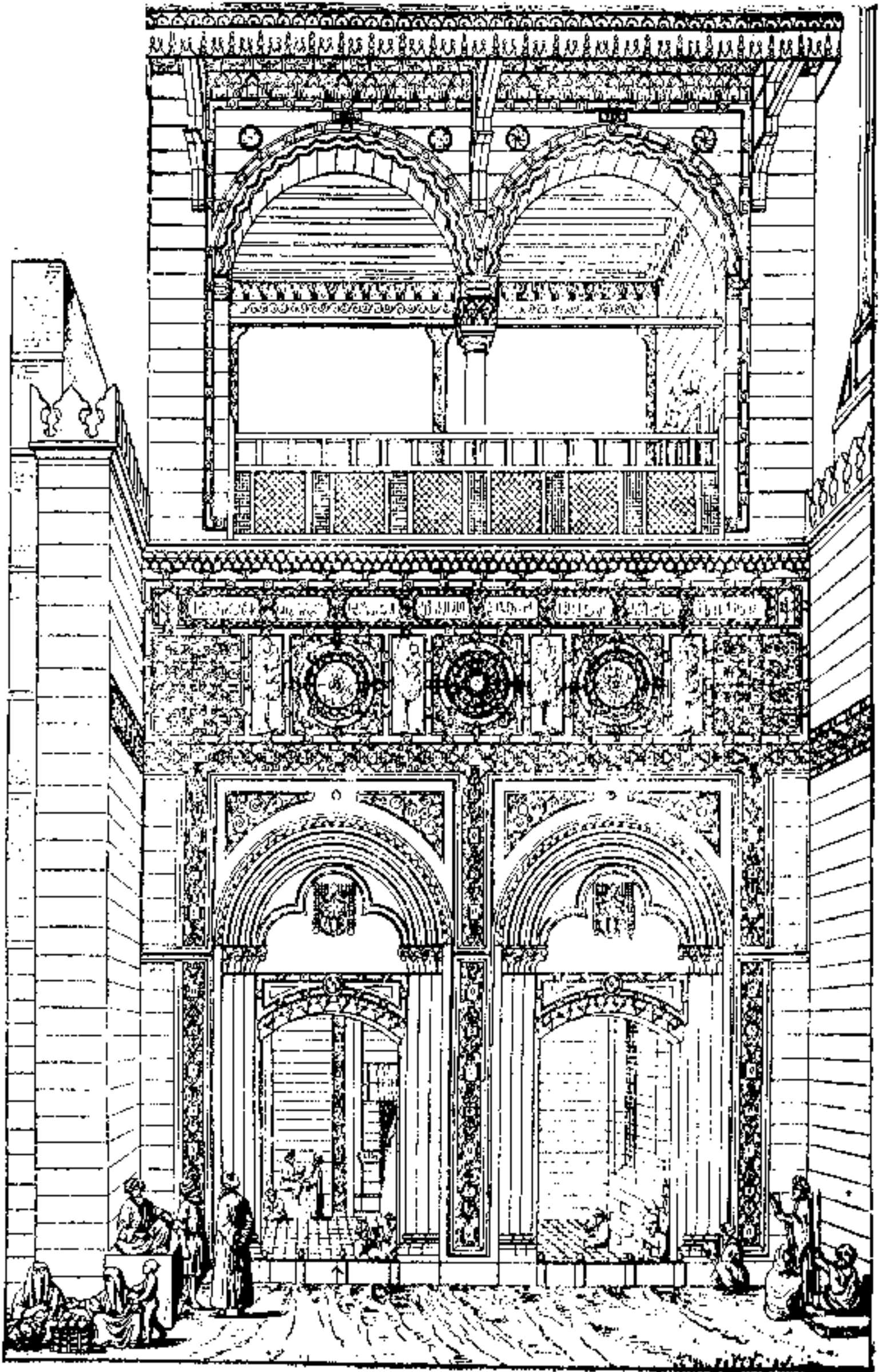
عروج تمدن مزبور در مصر زمان خلفای فاطمی بوده و در آن زمان صنعت و حرفت در نهایت درجه ترقی بوده و در آنک زمانی قاهره در ردیف بغداد قرار گرفت، لیکن این ارتقاء و اعتلاء بیشتر در صنعت و حرفت بوده نه در علوم و فنون چه دانشگاه بغداد همیشه بر مدارس قاهره تفوق داشته است. مادریکی از ابواب کتاب که قسمت دماغی و عقلانی تمدن اسلامی را بیان میکنیم این بحث را تجدید خواهیم نمود و در اینجا مقصود ما فقط بیان حالت و وضعیت مادی این تمدن میباشد.

عایدات خلفای مصر بواسطه حاصلخیزی اراضی و نیز از برکت بسط و توسعه تجارت که در آنجا ذکر خواهیم نمود^(۱) بیشتر از عواید خلفای بغداد بوده و قسمت عمده این عواید را خلفا صرف اسباب تجمل و لوازم عشرت و بنای قصور و عمارات عالیه مینمودند زمین قدیم در سواحل نیل مخارج ثباتی و ساختمان گونا خیلی ارزان بوده است زیرا در اوایل قرن جاری در قاهره اجرت یکمتر بناء روزی تقریباً هشتاد سانتیم و عمده پانزده سانتیم و قیمت سنگ با کندن و مدارف حمل در هر بیست متر مکعب تقریباً یک فرانک بوده است.

مقریزی^(۲) یکی از مورخین اسلام^۳ مینویسد (مشاهده عمارات آن عصر هم گواهی است بر صدق بیان او) که در عهد خلفای فاطمیه (۹۷۲-۱۱۷۱ میلادی) صنایع

۱- صفحه (۲۹۰) رجوع شود.

۲- **تقی الدین مقریزی** از مشاهیر مورخین اسلام است و او ثباتی در تاریخ مصر و سلطنت صلاح الدین تألیف کرده. سال ولادت ۱۳۶۰ و وفاتش ۱۴۴۳ میلادی است.



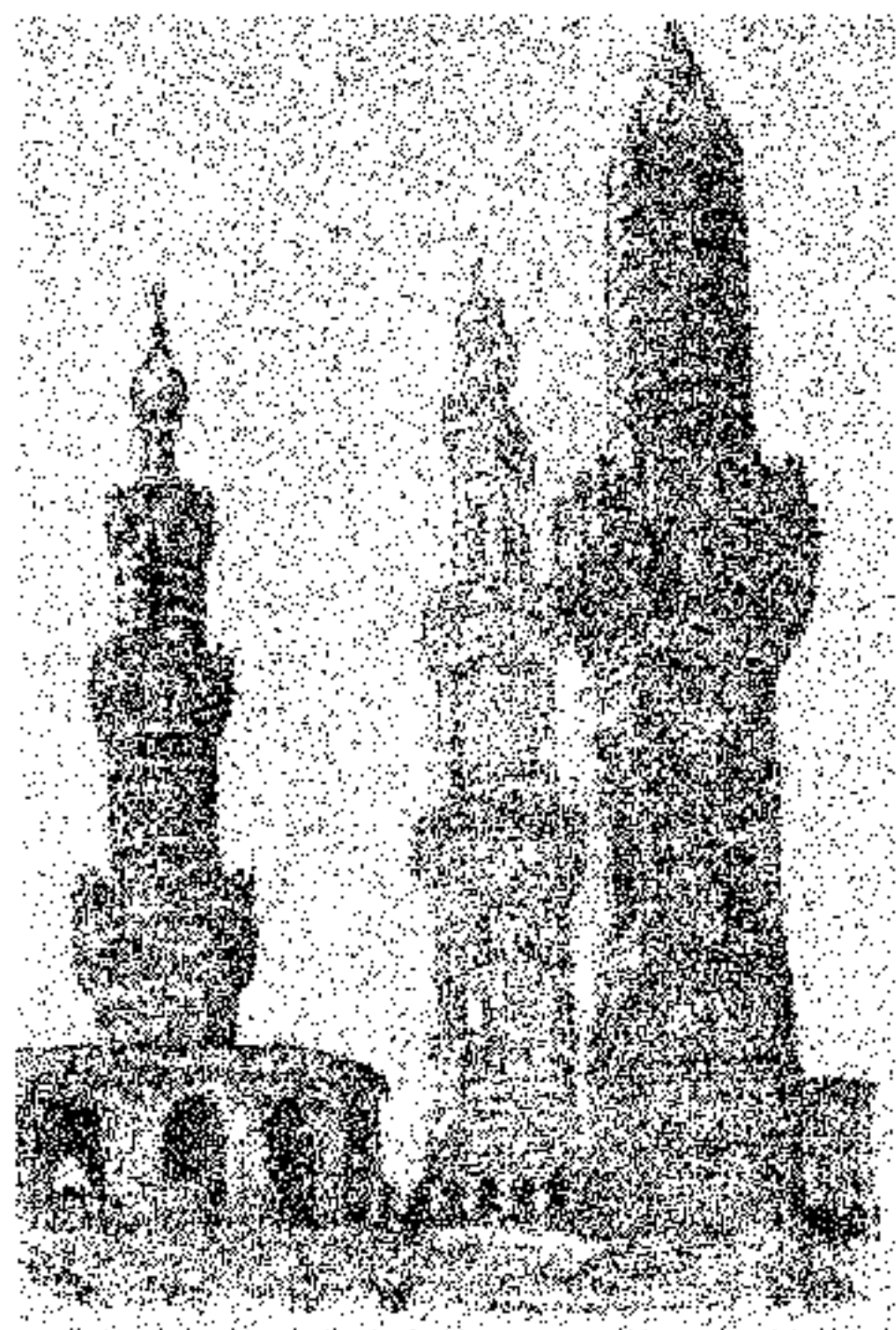
و فنون خصوصاً فنون متعلقه بزرگری و پارچه بافی و تمام چیزهای مربوطه بانائیه منزل و اسباب زینت و تجمل در منها درجه ترقی بوده است. دیوارهای عمارات را با کاشیهای مینا کار میپوشانیدند و برنگهای مختلف کجج بری نموده و روی آنها را از نقوش و گل و بوته های درهم زینت میدادند. بعضی عمارات عربی که بطرز نامبرده زینت یافته و هنوز موجود است میتوان از مشاهده آن راجع بقشنگی و زیبایی آن عمارات زبانه ای بدست آورد. صحن عمارات را خانم کاری میکردند و با باقالیهای زربفت مفروش مینمودند. در رو پوشهای سریر و مخدّم ها صورت اقسام حیوانات را نقش نموده و متکاها و نوشکها را با پارچه های ارغوانی بسیار نفیس میپوشانیدند.

مورخین از میان عمارات باستان عربی مصر قصری را ذکر میکنند که **خمرویه**^(۱)

پس **طولون** در سال ۲۷۱ هجری (۸۸۴ میلادی) یعنی قبل از خلفای فاطمی بنا نهاده بود و بر طبق بیان مورخین اطراف این قصر باغهای عالی تربیت کرده بودند که از قطار گلپای این باغها آیات قرآنی تنظیم و تشکیل میشد. تالارها از لاجورد و زر زینت یافته و در آنها مجسمه شاه و ملکه را با لباس خیلی فاخر نصب نموده و باغی هم از وحوش متعلق باین قصر وجود داشت که در آن انواع و اقسام جانوران را جمع کرده بودند. در جلو يك مقصوره دارای ستونهایی از مرمر آب سنگ بزرگی وجود داشت که طول آن سی متر و پربود از زیبی که در روز عکس آفتاب و در شب عکس ماه و ستاره را مثل شعله نور باطراف منعکس مینمود. غرفه ای هم بود که منظر داکس تمام قصور و باغها و نیز منظره رود نیل را نشان میداد.

بیانات مورخین اسلام بقدری مختصر و درهم است که از آن نمیشود درست فهمید که در هزار سال پیش وضع و ترتیب عمارات اسلامی مصر چه بوده است، لکن **میسوم**^(۲) ساکن موریکسی از مورخین اروپا در کتاب خود که در تاریخ جنگ صلیب نوشته راجع بمصر هم از قول سفرائی که از فلسطین نزد خلیفه گسیل شده اند شرحی ذکر نموده است که میتوان بدان ناقص مورخین اسلام را از آن تا حدی تکمیل نمود.

۱- Khoumorouyah. ۲- Guillaume de Tyr.



(۹۸) - قسمت علیای مناره‌های جامع ازهر

گیوم صوری چنین
مینویسد: چون عظمت
و جلال این پادشاه
بجدی است که نظیر آن
را ما در زمان خود
هیچ ندیده ایم لهذا
من این شکوه و جلال
عدم النظیر و این
دولت و ثروت بی پایان
را از زبان کسانی که
آب را بچشم خود
دیده اند قدری مفصل
و مشروح بیان میکنم:
پس از گذشتن از دالانها
و حیاط های زیادی

سفرای فلسطین رسیدند بر درهائی که از آنجا داخل محل سیر و تفریح پادشاه میشدند +
این سردرهار روی ستونهایی از سنگ مرمر قرار گرفته و سقفهای آن زردنگار و منقوش
بانواع نقوش درهم و نیز صحن آن از سنگهای الوان زیست یافته بود. مصالح و مواد و نیز
شاهکارهای صنعتی که در آن بکار برده شده بقدری عالی و قشنگ بوده که این سفر اطورى
مات و مبهورت تماشاى آنها شده که میل نمیکردند چشم از آن بردارند و از دیدن چیزهای حیرت-
انگیزی که قبلاً نظیر آن رانديده بودند هیچ سیر نمیشدند. در اینجا بر که هائی از سنگ
مرمر مملو از آب صاف و شفاف وجود داشت که در آن انواع واقسام ماهیها در سیر و
حرکت بودند و نیز طيور خوش الحانی که نظیر آن در اروپا یافت نمیشدند موجود

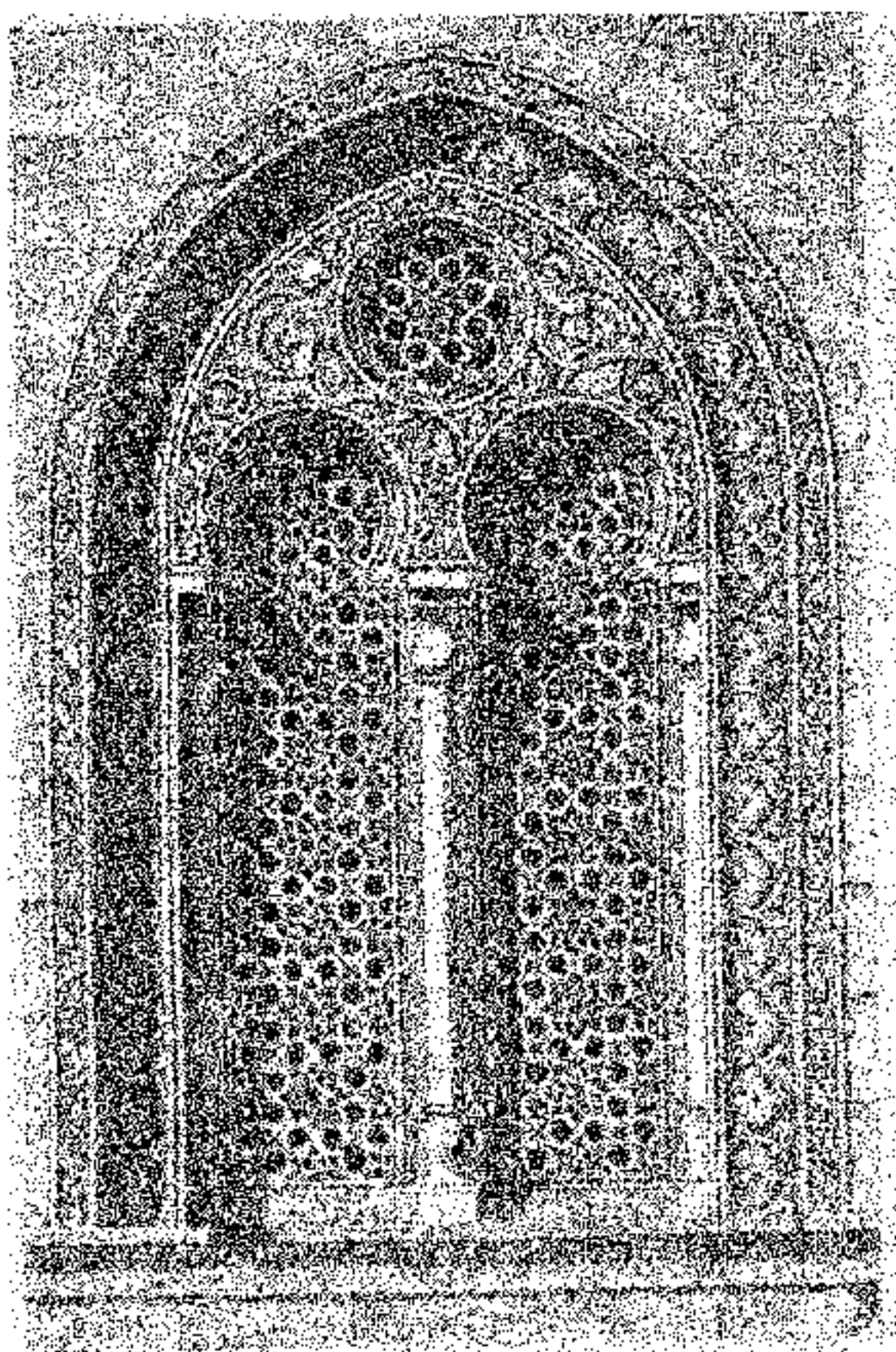
بودند. غرض مکان مزبور بنظر ابن فرانسویها طلسم معلوم میشد. بعد خواجہ سرایان ایشان را از آنجا بایوانهای دیگری بردند قشنگتر و عالیتر از تمام آنها، یکباره قبلا از نظرشان گذشته بود. آنها در قصر سلطنتی صورت حیوانات عجیب الخلقه زیاد را دیدند که قلم خود سر هیچ مصور و نقاش یا خیال مطلق العنان یک نفر شاعر و یا خواب پریشان یک نفر خوابیده چگونه ممکن است چنین صورتی را ایجاد کنند. اینگونه حیوانات فقط در مشرق زمین یافت میشوند. برعکس اهالی مغرب گاهی در افسانه‌ها اسمی از آنها میشوند. از فهرست اشیائی که مستصیر خلیفه در سال ۴۲۷ هجری مطابق ۱۰۳۷ میلادی برای فوج سوار مملوک خود که اقتدارشان زیاد شده بود بمصرف فروش رسانید بخوبی میتوان پایه ثروت سلاطین فاطمیه را بدست آورد. فهرست نامبرده از مقریزی گرفته شده و در صحت آن هم جای هیچ تردید نیست چه آن مأخوذ است از اعلانی که از طرف ناصر الدوله وزیر بطور عموم اشاعت یافته بود. میومارسل^(۱) که ما اینرا از او نقل میکنیم مینویسد و این قول او در دست هم هست که از دیدن فهرست مزبور بر میآید که تمام ثروت‌های دنیا در همین يك نقطه زمین جمع شده و آن سالیان دراز هم باقی مانده تا آنکه بدست يك سپاه نا اهل و بدرفتاری افتاد.

"در این فهرست عجیب از زمرد و باقوت و مروارید و عقیق و دیگر جواهرات کبل کبل، پیمانانه پیمانانه نوشته شده."

"بعلاوه هیجده هزار گداز از بلور معدنی که بعضی تا هزار دینار (۱۵ هزار فرانک) قیمت داشت و از اوایی و ظروف دیگر از جنس مزبور بالغ بر سی و شش هزار یازده فقره بود از طلا که از زر خالص بافته شده و وزن آن پنجاه و چهار مارك میشد،^(۲) چهارصد قفس بزرگ طلا و بیت و دو هزار عده اشیاء ریز و کوچکی که از کهربا ساخته شده بود. يك عمده جواهر نشان که قیمت آن یکصد و سی هزار دینار (يك ملیون و پنجاه هزار فرانک) بوده است، از جمله مجسمه طاوس و خروس و غزال بود

۱ - Marcel.

۲ - قریب یکصد و بیست تن.



(۹۹) - بئجرة مسجد كالوم - دلاوون *

که اندازه طبیعی آنها بازر ریخته و با سروارید و باقوت مکملی نموده بودند. میزهای مرتفع نشان ، نخلی از زر روی صندوقی از زر که گلهها و میوه های آن از سروارید و باقوت بودند.

* باغی که زمین آن از نقره مطلا و خاک آن از عنبر ، درخت از نقره و برگ و

میوه از طلا و جواهرات، خیمه ای که عرض آن ۶۳۵ پا و ارتفاع آن نود پا که از مخمل زربفت بنا شده و یکصد شتر آنرا حمل می نمودند، خیمه دیگر که با تارهای طلا بافته شده و بر روی شش ستون بسیار بزرگی از نقره استوار بود، جامهای نقره چندین من دوهزار قالی زربفت که قیمت یکی از آنها بیست و دوهزار دینار و قیمت کوچکترین آنها هزار دینار بوده است و پنجاه هزار طاقه زربفت دمشقی و بسیاری از اشیاء نفیسه دیگر.

«ابن عبدالعزیز ناظم خزانه در راپورت خود می نویسد که یکصد هزار از اشیاء نفیسه و دوست هزار اشیاء متعلقه به اسلحه و آلات حرب را جلو چشم او بمصرف فروش رسانیدند.»

سوالی که در اینجا پیش می آید این است که این ثروت از کجا آمده و خلفای مصر از چه منبعی این همه مال و دولت بدست آوردند تا بتوانند يك همچو اسباب تجملی فراهم کنند که برای هیچیک از سلاطین اروپا فراهم نشده است.

در جواب میگوئیم که آن از دو منبع بوده: یکی زراعت و دیگر تجارت. کشور مصر واقعاً آنوقت بین اروپا و هندوستان و عربستان یکی از مراکز مهمه تجارتنی شمرده شده تمام اموال تجارتنی که از مشرق بمغرب حمل میشدند عبور آنها از اسکندریه بوده است.

فرسکو بالدی^(۱) که کنفلورانس می نویسد که در زمان او یعنی سال ۱۳۸۴ میلادی آمد و رفت کشتیها در بندر گاه قاهره از و نیز^(۲) و وزن^(۳) بیشتر بوده است. در رودخانه نیل سی و شش هزار قایق بحمل و نقل اموال تجارتنی مشغول بودند. یکی از رفقای واسکو دو گاما^(۴) که در سفر مصاحب وی بوده است يك بارنامه تجارتنی را در کتاب خود درج کرده که از مطالعه آن معلوم میشود که عواید و درآمد کمربندی خلفای فاطمیه

۱- Frescobaldi. ۲-Venis. ۳-Genes.

۴ - Vasco de Gama. یک نفر منوان [ملاح] برتقالی است که در سال ۱۴۹۷ میلادی برای هندوستان راهی از کاب دوین اسپرانس پیدا نمود و او بعد از وفات آلبوگرتک* تا بایب السطنه هندوستان گردید سال وفاتش ۱۵۲۵ میلادیت.

* Cap de Bonne Espérance. * Albuquerque.



چقدر زیاد بود و بواسطه همین محصولات قیمت ادویه جات در قاهره پنج مقابل کلکته بوده است.

تا آن زمان که **واسکودو گاما** (یعنی در سال ۱۴۹۷ میلادی) از دماغه امید نیک گذشته بساحل مالابار رسید که قبلاً احدی از اروپاییها بانجا مسافرت نکرده و فقط محل آمد و رفت اعراب بود این درآمد بحال خود باقی و برقرار بوده است.

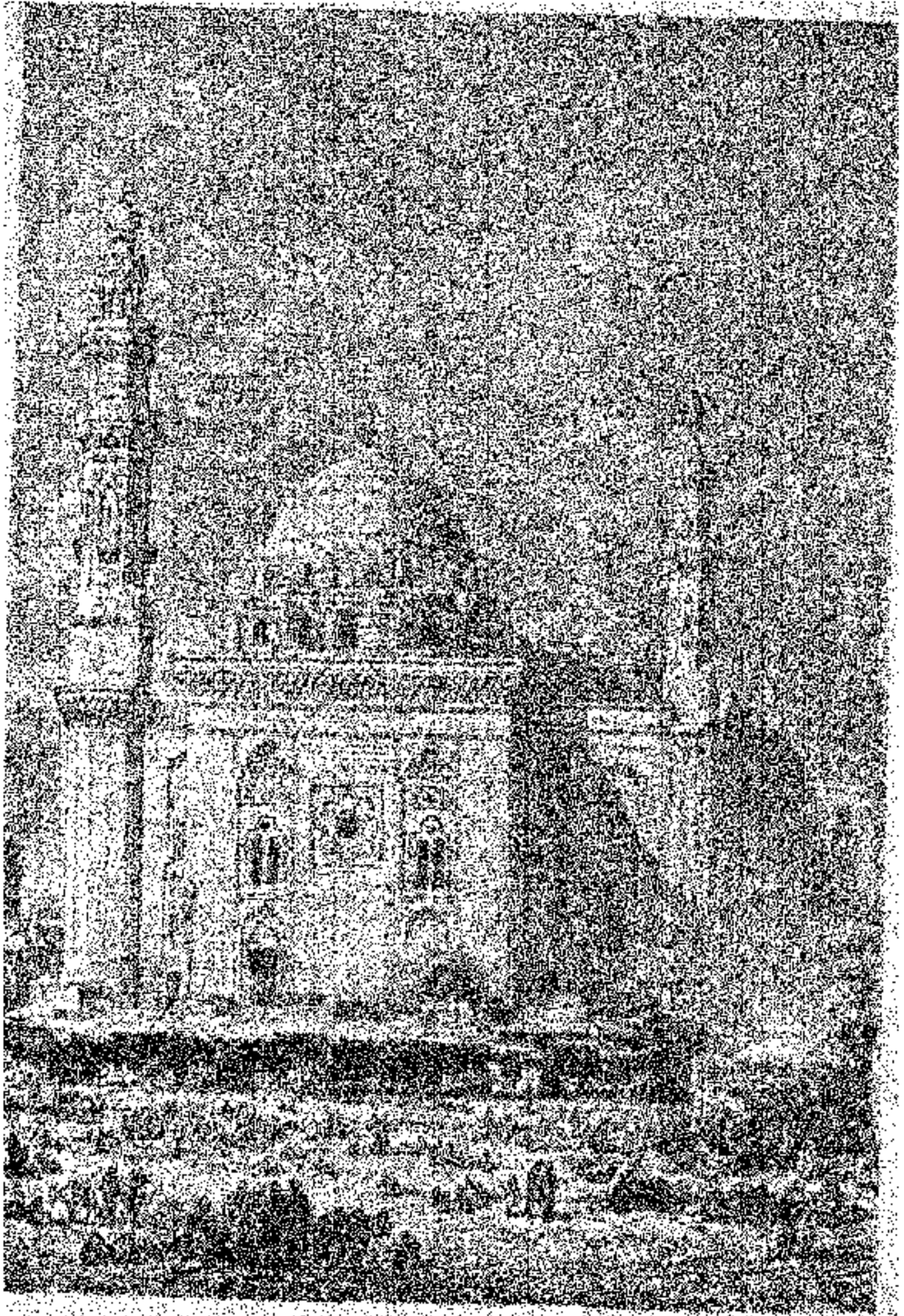
این راه تازه به مسلمین مصر خسارت زیاد وارد ساخت. اگرچه آنها کشتیهای زیادی روانه نمودند لیکن برتقالیها را نتوانستند از ریشه دو اندن بهند جلوگیری کنند و این اقامت آنها در هند لطمه زیادی بتجارت شرقی مسلمین وارد ساخته و در نتیجه قسمت مهم منابع تجارتهی خلفای مصر از بین رفت.

فصل چهارم

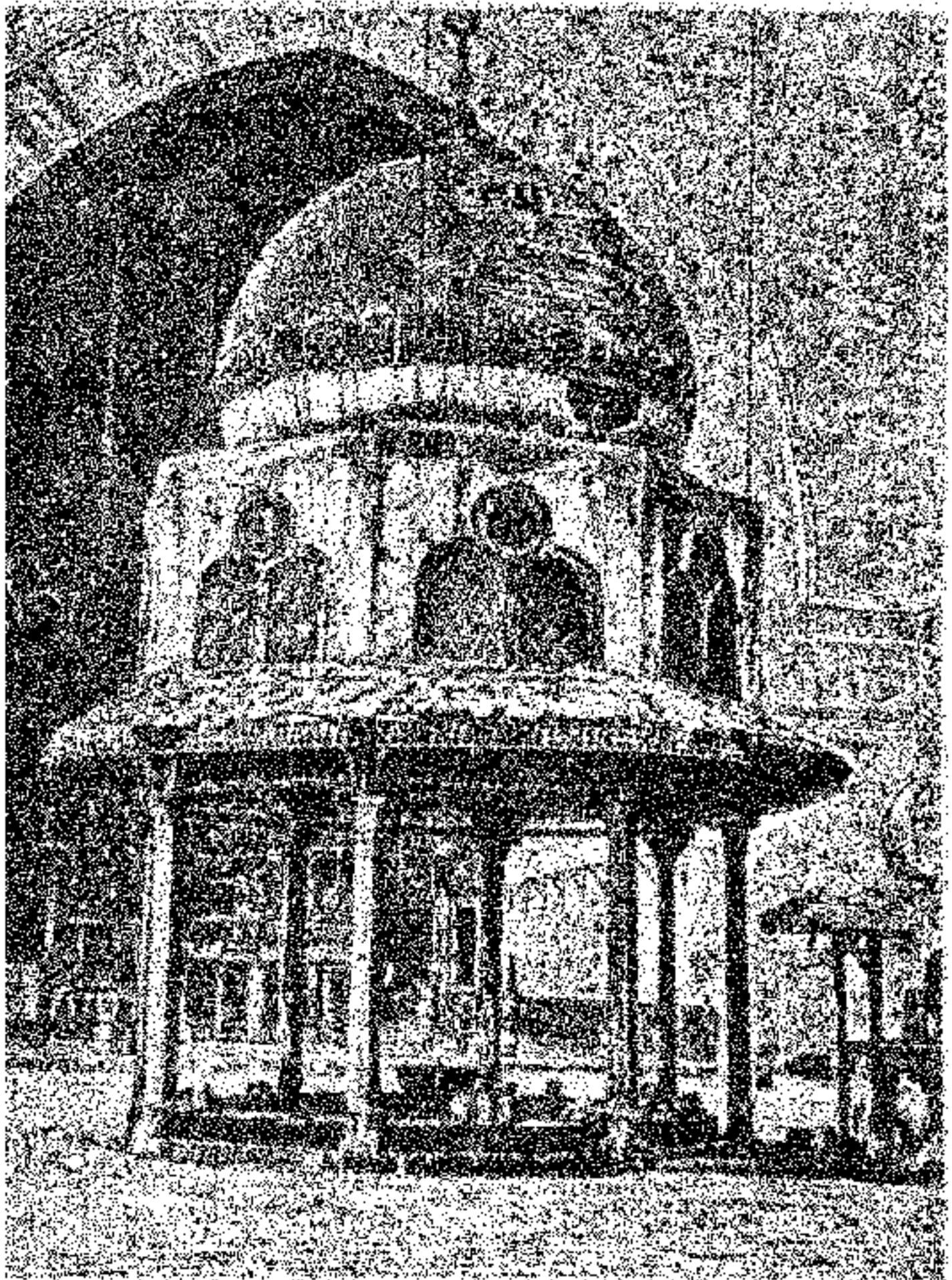
آثار باقیه اسلامی در مصر

مصر اول کشور است که در آنجا ابنیه و عمارات هر یک از اعصار اسلام موجود میباشد چنانکه از مشاهده آنها تغییراتی را که برود زمان در فن معماری رویداده است میتوان معلوم داشت و چون تقریباً تمام ابنیه باستان عربی که هنوز در آنجا برپاست مساجد بوده و از میانه آنها مساجدی هم که مقام شهرت را حائز میباشد در قاهره واقع شده لذا در اینجا بحث از آنها برای ما خیلی سهل و آسان خواهد بود.

خود شهر قاهره یا الاقل آن بخش از شهر که از تهاجم اروپائیان محفوظ مانده است بکلی مستثنی واقع شده و از مشاهده آن از وضعیت این شهر که در زمان خلفا چه بوده خوب میتوان مطلع گردید. شهر نامبرده از دور تا ایندرجه شرقی بنظر میآید که کوئی شهر دیگری از این حیث در ردیف وی نیست و آن مجموعه ایست از ابنیه و مساکن سفیدی که بامهای آنها مسطح میباشد. از داخل این مساکن و منازل جابجا مناره های بلندی دیده میشوند که از میان درختان خرما سر در کرده و منظر آن از بالای قاعه بکلی شهر پیرایان معلوم میگردد. حتی من در سیاحت های خودم هیچ شهری را ندیدم که منظره آن تا اینحدت دلچسب باشد.



(۱۰۱) - منظره مسجد حسن



(۱۲۰) - حوض مسجد حسن

خیابانهای قاهره مثل سایر شهرهای مشرق‌پربینج و خم و تنگ و بی‌ترتیب است و در بعضی محله‌ها و نیز (خصوصاً) در شهر باستان پنجره‌های مساکن تقریباً بهم متصل می‌باشد.

فائده این کوچه و خیابانهای تنگ این است که عابرین را از حرارت آفتاب محفوظ داشته و در تمام روز يك نوع خنکی و تازگی محسوس میباشد. اکنون در قاهره خیابانهائی بزرگ و وسیع و نیز تفرجگاههائی بوضع اروپا بنا شده اما یکنفر بخواهد در آفتاب مصر از این خیابانها پیاده عبور کند خواهد دانست که آن کوچه های تنگ و تاریک چقدر راحت تر و بهتر از این خیابانهای وسیع است.

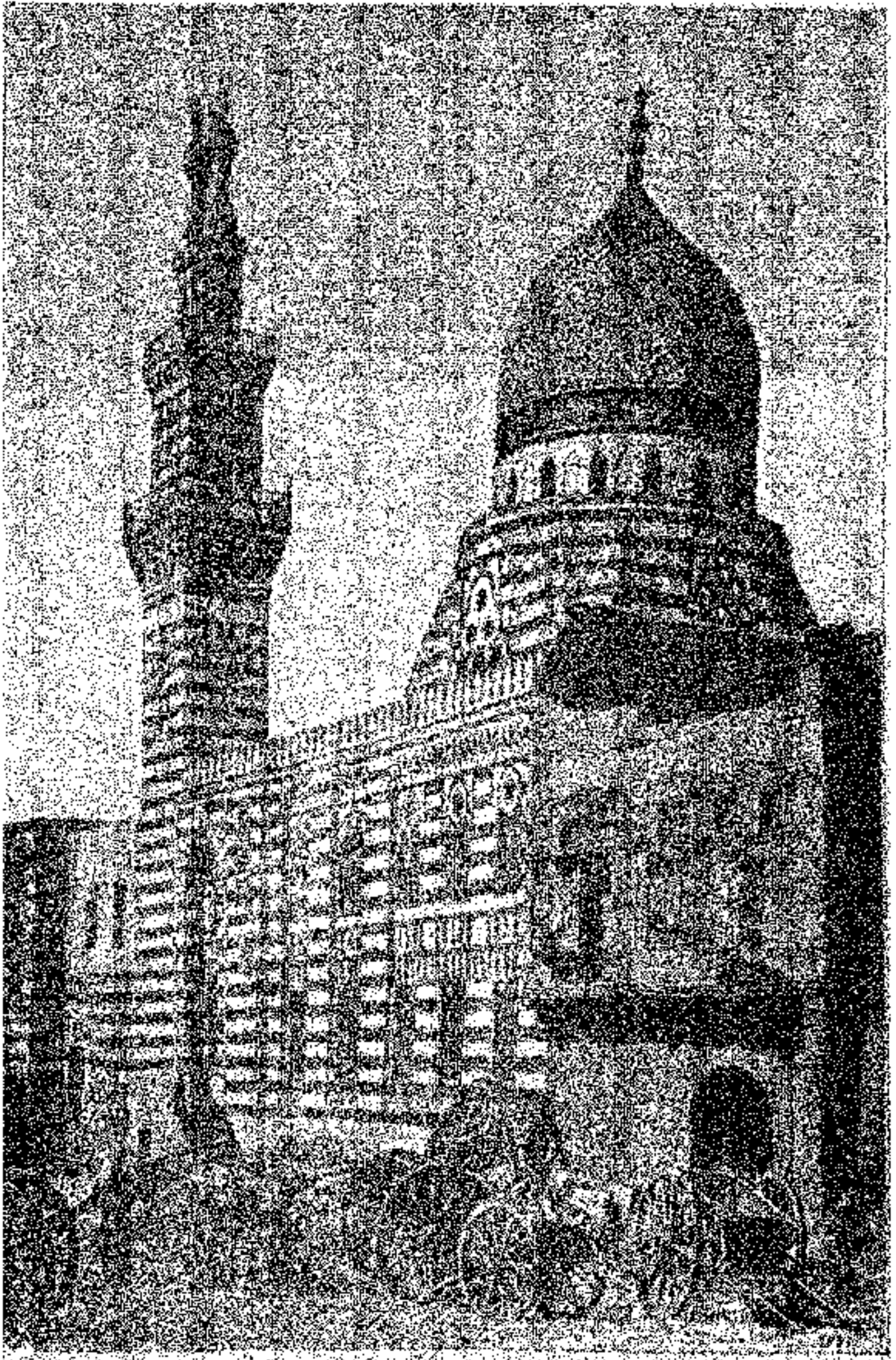
گردش خیابانهای قاهره هر سیاحی را بشگفت میاندازد حتی کسانی هم که دمشق را دیده باشند از مناظر اینجا لذت ببرند و من در سیاحت آنجا بعضی اوقات اتفاق افتاده که چندین ساعت بتماشا و سیر آن مشغول بوده ام.

دکتر ایزامبر^(۱) چنین مینویسد: «درین هیاهو و ازدحام خلایق يك طرف فلاح بیچاره از نظر میگذرد و طرف دیگر بدوی صحرائی دیده میشود که فرزند تند حرکت میکند، یکجا قبطی یا یهودی با قیافه عبوس و گرفته میروند و جای دیگر یونانی چست و چالاک دارد میآید، اعضاء و مستخدمین قنسولخانه ها خاموش ولی مفرور، جنس سیاه پوست از رنگ آبنوس سودانی گرفته تا بربرهای سفید هر نوع مخلوق در اینجا بنظر میآید.

از تمام نقاط افریقا و عربستان کاروان وارد میشوند، یکجا شتران با بار خاموش و آرام ایستاده، طرف دیگر الاغ های تند و تیز که تجار مشرقی یا زنان بر قعدار بر آنها سوارند بسرعت میروند، از يك سمت پاشائی با لباس نظام سوار بر اسب میگذرد، سقا مشك آب بردوش گرفته میبرد، حاملها جور بجور، آژان ها مشغول داد و فریاد (عقب و کنار) و کسانی را که از راه رفتن سستی میکنند حتی زنان را با چوب دست یکطرف کرده راه را برای عابرین باز میکنند و این يك منظره ایست که همیشه تازه است و از دیدن آن انسان سر نمیشود».

شهر اصلی قاهره در سال ۳۵۹ هجری (مطابق ۹۷۰ میلادی) بنا شده و قصبه قدیم فسطاط که عمرو عاص آنرا بنا نهاده در داخل حصار شهر در همان محلی واقع شده بود که شهر جدید بعد ها در آنجا بنا شده است.

۱- Dr. Isambert.



نام شهر جدید ، القاهره ، یعنی غالب ، گذارده شده که اروپائیان آنرا ، کایرو ،
مینامند و فسطاط فعلاً محله ایست از قاهره و آنرا شهر باستان نامیدن خطای صرف میباشد
زیرا که آن هیچوقت باین نام خوانده نشده است .

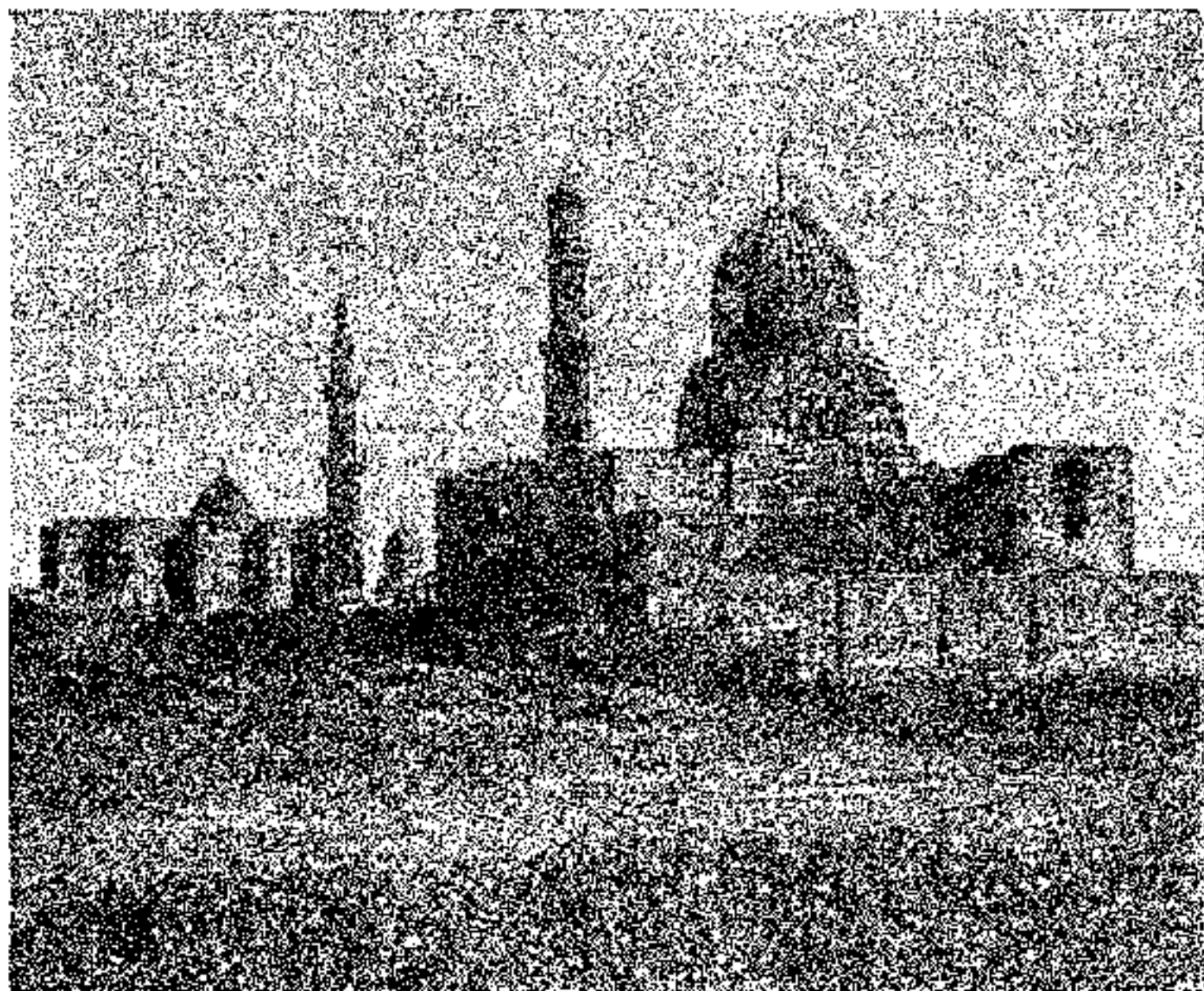
این شهر تازه از آغاز بنیاد تا روزیکه بانجام رسید سه سال بیشتر طول نکشید .
خلفای فاطمیه بخش زیاد عایدی خود را همیشه صرف آرایش و تزیین این شهر میکردند
و هر خلیفه ای مخصوصاً میل داشت در این خصوص بر خلفای پیش تقدّم جوید تا اینکه
که مملوکین هم وقتیکه بجای خلفا حکمران مصر شدند آراسته کردن شهر را جزو مفاخر
خود میشمردند ، مگر حالیه که این شهر جزو متصرفات ترکیه قرار گرفته نه فقط
تزیینات آن موقوف شده بلکه روزانه در انحطاط و خرابی است و عمارات عالیّه آن
روز بروز منهدم میگرددند و چون در آنها هیچ قسم مرمت هم نمیشود ظنّ قوی این
است که در آتیّه نزدیکى تماماً نیست و نابود خواهند گردید . یکی از محترمین مصر
بعن گفت چقدر بموقع شد که برای دیدن این عمارات باینجا آمدید و الا بعد از چندى
چیزی که قابل دیدن باشد باقی نخواهد ماند .

ما اینک با نهایت اختصار شرح اینیه و عمارات مهمه مصر را از روی ترتیب تاریخی آنها
ذیلاً از نظر خوانندگان میگنجانیم و یاد آور میشویم که ازین چهارصد الی پانصد مسجدى
که در این شهر موجود است ، ما آن مساجد را انتخاب میکنیم که بوسلّه آنها فنّ معماری
هر عصرى را از ابتدای بنیاد قاهره تا اینوقت بتوان معلوم داشت .

(۱) (سال ۲۱ هجرى ۶۴۲ میلادى) این مسجد گذشته از اینکه
مسجد عمرو

خیلی قدیم است چون بنیاد آن به دست هشتاد نفر از صحابه پیغمبر
نهاده شده نهایت هم مقدس شمرده میشود و بملاحظه اینکه عمرو ، فاتح مصر ، بانی آن
بوده لذا تا کنون بنام وی مشهور است . تا آخر دوره خلفای راشدین بلکه تا آخر
خلفای بنی امیه مساجد قاهره منحصر بهمین يك مسجد بوده و چون آن مطابق نقشه
مسجد مکه بنا شده لذا نامدنی مساجد قاهره را از روی نقشه آن بنا مینمودند .

نقشه مسجد نامبرده خیلی ساده است و ما وقتیکه یکی از مساجد باستان را درست



(۱۰۴) - مسجد برقوق که مدفن خلفا بوده است

مشاهده کنیم از نقشه باقی مساجد باسانی اطلاع خواهیم یافت و آن عبارتست از يك صحن بزرگ مستطیلی که در سه ضلع آن شبستانها و دالانهایی است دراز که روی ستونها قرار گرفته و در ضلع چهارم آن بنائی است بسیار وسیع و محکم که جای خواندن نماز میباشد . در وسط صحن هر مسجد حوضی است بزرگ برای وضو و درزواپای آن برجهای چندی است موسوم بمناره که کم و بیش بلند و کوتاه بنا شده اند . در جلو خان اغلب مساجد قدیمه صحنی است که در اطراف آن برای غربا و مسافرین حجراتی و نیز طویله ای برای مالهای سواری آنها بنا نموده اند و نیز حوض آبی برای آب دادن حیوانات نامبرده و حمای هم موجود میباشد . مساجد قدیمه علاوه بر نماز و عبادت برای مسافرین و غربا هم جزو مسافر خانه محسوب بودند . در ستونهای مسجد عمر و از عمارات مختلفه روم و یونان تقلید شده است .

بالای این ستونها طاقهایی بنا نموده‌اند که باطاقهای قدیم فرقی که دارند فقط اینست که قلد آنها جناغی شکل و قواعد آنها نعلی بنا شده‌اند.

شکل جناغی مزبور بعمرور زمان بدرجه کمال رسیده است و آن اختصاص دارد بطرز معماری عرب و سوار شدن این طاقها روی نیمرخ قواعد نعلی شکل خود يك شکل ظریف و زیبایی باین طاقها داده است که خیلی عالیتر و باشکوه تر ازطاقهای مستدیر توسی خورده روم شرقی میباشد.

در مسجد عمر و فقط دو طرف آن که مقابل هم واقع شده اند این ستونها باقی مانده که یکی از این دو طرف دارای يك صف ستون میباشد ولی طرف دیگر که اصلی است فقط شش ستون باقی است و چون در این شبستانها بیست و يك طاق موجود میباشد لذا تعداد تمام این ستونها بالغ میشود بر ۱۲۶ ستون، لیکن در قطار اول که ستونها جفت جفت بنا شده اند بنا برین تعداد این ستونها ۱۴۷ میباشد.

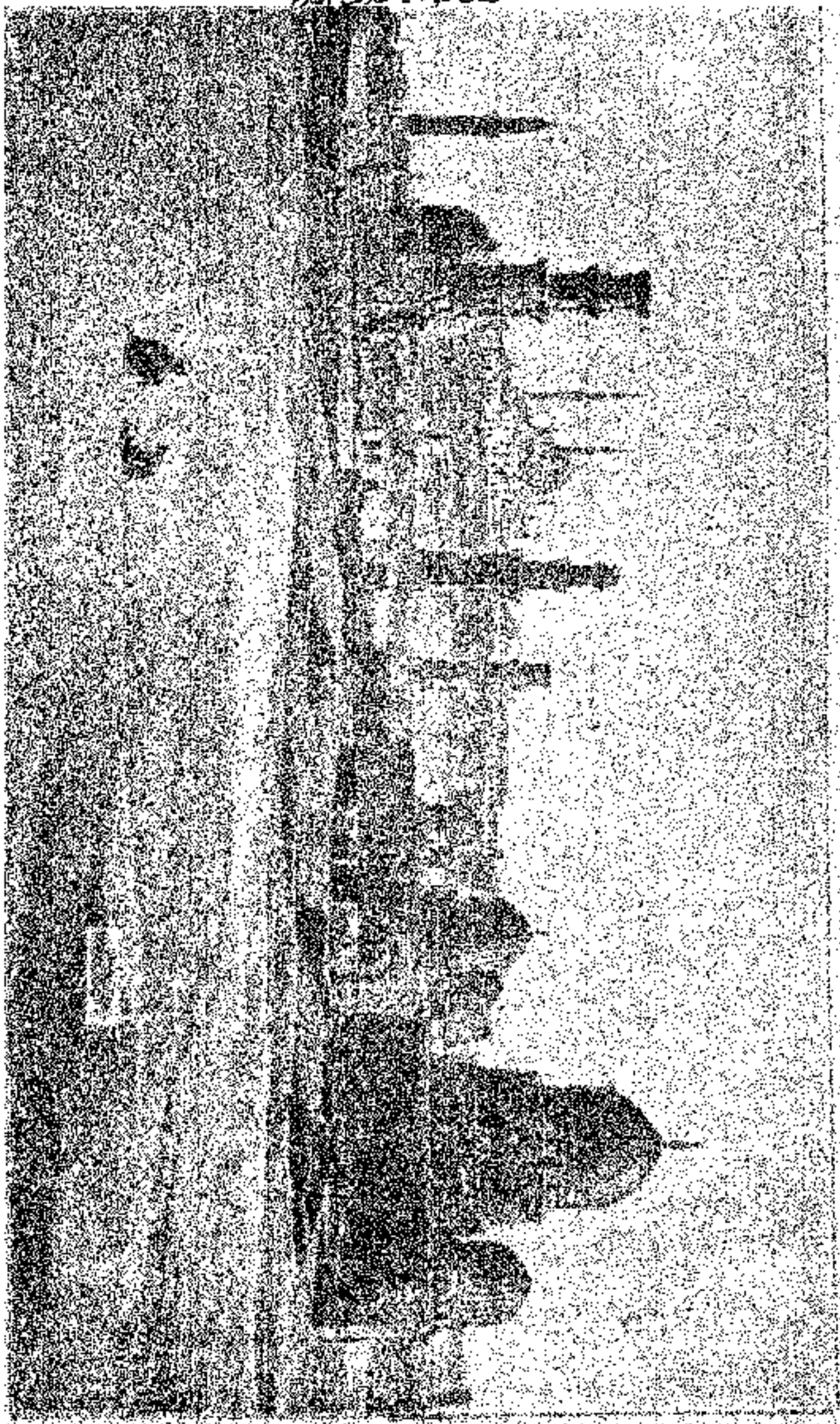
در میان اصلی مانند سایر مساجد محراب است و بالای آن طاقی بنا شده که روی آن سمت مکه که قبه مسلمین است میباشد، جنب همین محراب منبر واقع است و در مسجد عمر و محراب و منبر خیلی ساده بنا شده اند.

مناره های آن بسیار ساده و ارتفاع آنها خیلی کم و وسط آن فقط يك ایوانچه است که منتهی میشود بشقعه (نوك).

در تمام این مسجد از کتیبه طرز عرب و آیات قرآنی که نقل مینمودند و نیز از گل و بوته هائیکه اعراب اخیراً اختراع کرده بودند اثری موجود نیست، باوجودسادگی مساجد ستونها وطاقهای آن بنظر من خیلی مجلل و باشکوه آمد ولی افسوس که این بناء قدیم هم مثل سایر آثار باستان مصر رو بانهدام میرود (۱).

۱. نویسندگانی که راجع بقاهره چیز نوشته اند مطابق اقوال مورخین اسلام مینویسند که درین مسجد هر شب هجده هزار چراغ روشن میشد، در این میانه یازده هزار و چهارصد من روغن هر شب بمصرف روشنائی میرسید. محققین نامی که سیو باتیسی **پیر*** هم در آن داخل است مطابق فوقرا نوشته اند ولی وقتیکه بخواهیم آنرا بحساب دریاوریم قسمت هر چراغی شصت و هشت پوند و یکقسمت از شانزده قسمت پوند روغن خواهد شد و این بکلی مخالف قیاس است، گذشته ازین یازده هزار و چهار صد من روغن هر روز تهیه نمودن و بمسجد دادن چندین قطار شتر برای حمل آن لازمست (مصنف).

* Batissier.



(۱۰۰) - منظره يك قبرستان در قاهره كه در پاي قلعه و مسجد محمد علي واقع است

مسجد طولون (۱) این مسجد در سال ۳۴۳ هجری (مطابق با سال ۸۷۶ میلادی)

بنا شده . مسجد نامبرده مانند مسجد عمر و نهایت درجه ساده بنا شده است لیکن آرایش و تزیینات آن از مسجد عمر و بیشتر است . نقشه آن بعینه همان نقشه ایست که در مسجد عمر و بکار برده شده است یعنی وسط آن صحنی است مربع و از چهار طرف شکل طاق نماهایی ساخته شده است که قسمت علیای آنها بشیوه پیکانی کامل و قسمت سفلی بشکل نعلی بنا شده بطوریکه از مسجد عمر و این شکل نعلی محسوس تر میباشد و این طاقنما ها بجای اینکه روی ستونهای معمولی قرار گرفته باشند در روی جرزهای مربع محکمی قرار داده اند که در مرزبک از گوشه های آن جرزها ستونهای سنگی مطرز برستونهای شیوه روم شرقی نصب بوده اند .

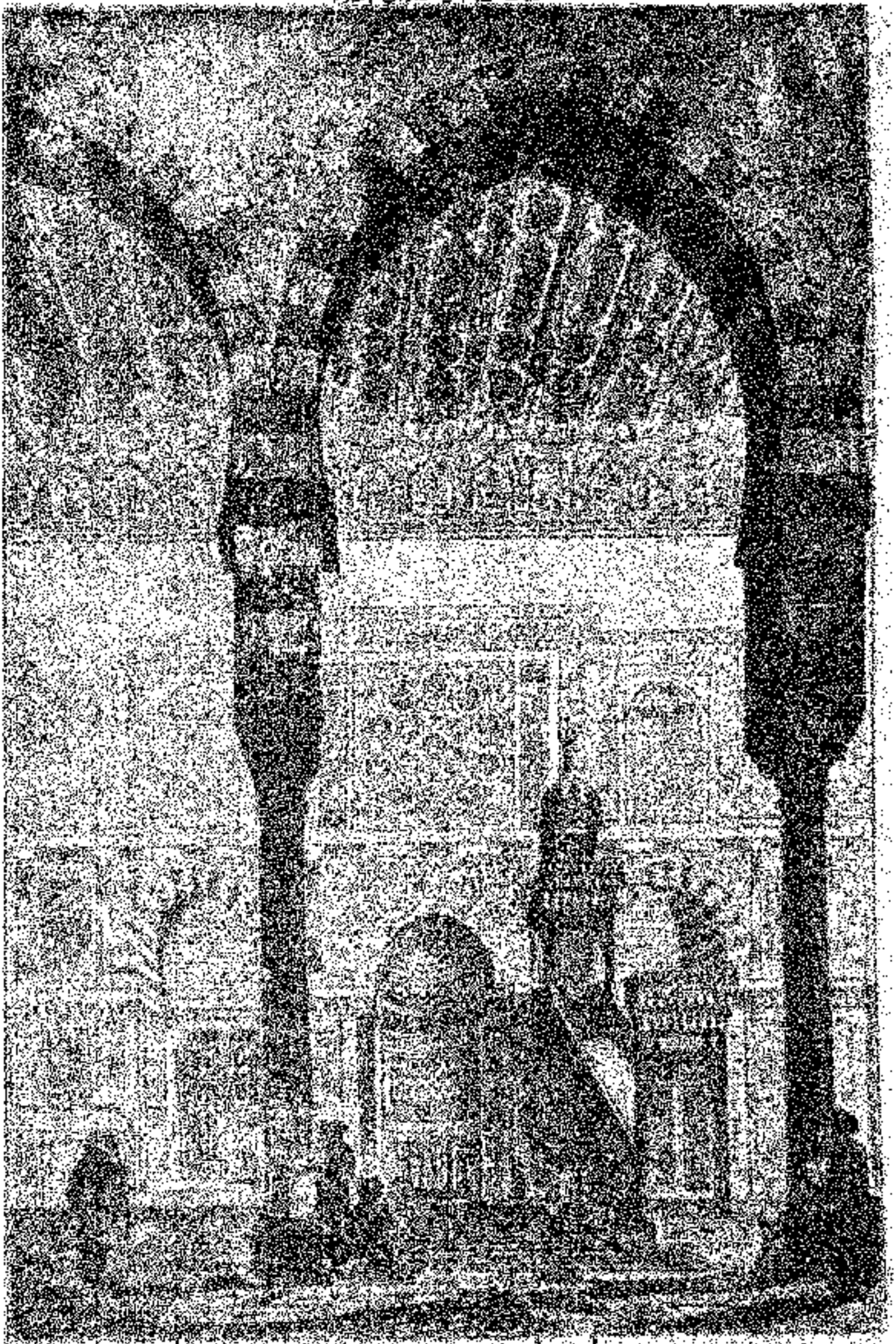
این نوع جرزهای ستون دار چنین بنظر میرسد که سرمشق و نمونه اصلی باشند که معماران مغربی در طرز معماری گوتیک (۲) در کلیساهای اروپا بکار برده اند چنانکه در مسجد عمر و گذشت . سقفیکه روی این اطاقها را پوشیده از چوب ساخته اند سقف مقرنس کاری و قطار سازی کتیبه و حاشیه ها در مسجد **طولون** مانند مسجد عمر و تا آنوقت معمول نبوده است و نقوشی که درین مسجد دور کتیبه ها و بالای پنجره ها استعمال کرده اند تماماً بسبب روم شرقی است ولی در بعضی جاها آثار نفوذ سبک عرب کم و بیش نمایان است . کتیبه هائی بخط کوفی روی چوب نقش شده و دیوار خارج مسجد دارای کنگره مشبک است .

مسجد مزبور از آجر بنا شده و روی آن گچکاری نموده اند . تمام تزیینات و نقش و نگار آن با گچ بعمل آمده است . از میان تمام مناره های آن يك مناره باقی میباشد و مناره مزبور بچندین درجه بنا شده است باین معنی که قسمت پائین آن مربع و وسط مدور و بالای آن هشت گوشه میباشد .

وسط صحن فواره ایست که خیلی قشنگ ساخته شده و دروازه آن مشتمل است بر پنجره هائی که قسمت علیای آنها مثلث میباشد .

۲- Gotiques.

۱- بگراور های شماره ۹۶ و ۹۵ رجوع شود .



[۱۰۶] - قسمت داخلی مسجد المؤید